

مکتب تاریخ‌نگاری فرانسه^۱

• جواد مرشدلو
دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه تهران



«مکتب آنال»^۲ یکی از مطرح‌ترین مکاتب تاریخ‌نگاری نسبتاً جدید است که تأثیر آشکاری بر روند تاریخ‌نگاری نوین در اروپا و آمریکا داشته است. «آنال» عنوان خود را از مجله‌ای گرفت که نخستین بار در نیمه ژانویه‌ی ۱۹۲۹ و زیرعنوان سالنامه (آنال) تاریخ اقتصادی-اجتماعی^۳ بیرون روز تن از چهراهای بنیان‌گذار این مکتب یعنی لوسین فور و مارک بلوك (بلوخ) انتشار یافت. انتشار این مجله در حقیقت اغاز یک مرحله‌ی متفاوت در تاریخ‌نگاری جهانی بود که از یک نظر نقدی بر تاریخ‌نگاری سنتی «رویداد محور» را هدف داشت (همان که فرانز برودل از آن به «تاریخ رویدادنگار»^۴ تعبیر می‌کرد) و از دیگر سو تحولی اساسی در افق دید و نگرش مورخان را دنبال می‌کرد. این تحول اگرچه متاخر بود؛ اما در مقایسه با مساعی‌ای که پیش از آن در راستای ارائه‌ی تعریفی نوین از تاریخ و اسیب‌شناسی نگرش‌های غالب سنتی صورت گرفته بود، به مراتب نافذتر و پریاگرتر بود. از همان قرن هجدهم که ویکو در مقام دفاع جدی «کلیو»^۵ و در پاسخ به نقد اساسی دکارت بر مبانی معرفتی تاریخ دست به کار شد و از منظری فلسفی و نظری به نقد شیوه‌های غالب تاریخ‌نویسی پرداخت تا این زمان تلاش‌هایی در راستای تعریف مفهوم متفاوتی از تاریخ انجام شده بود. اما این تلاش‌ها جز در موارد محدودی چون ویکو که عنایتی ویژه به کار مورخان و سهم ایشان در تقویت بی‌اعتمادی به تاریخ بهمنابه‌ی علم اجتماعی داشست، بیشتر صغنه‌ای نظری و فلسفی داشت و کمتر به «حرفه‌ی مورخ» (Métier d'Historien) به تعبیر مارک بلوك (بلوخ) می‌پرداخت. به عبارتی، بیشتر مجادله‌ای فلسفی بود تا مورخانه. این بار «مورخانی» مجدهز به داش نظری نوین کمر به نقد تاریخ‌نویسی سنتی بستند؛ نقدی که از مژدهای نظریه‌پردازی فراتر رفت و در عرصه‌ی عمل به خلق آثار استرگی چون جامه‌ی فنودالی^۶ و جهان مدبی‌دانه‌ای^۷ انجامید. «آنال» را به یک معنا می‌توان دست آوردنی فرانسوی در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری نوین به حساب آورد. رویکردی کلان‌نگر و ساختارگرا به تاریخ که از مبانی معرفتی «پوزیتیویسم» فرانسوی تأثیر پذیرفته بود و نظریات فیلسووفان اجتماعی‌ای چون امیل دورکیم^۸ و چرافی‌دانان نوگرایی چون ویدل دو لا بلاش^۹ بر شالوده‌های نظری این تأثیر انکارناپذیری داشت.^{۱۰} از طرف دیگر، آنال‌ها نیز به نوبه‌ی خود با طرح نگاهی جدید به تاریخ در شکل گیری علوم اجتماعی جدید و رویکردهای بین‌رشته‌ای به آن خصوصاً «تاریخ اجتماعی» و «جامعه‌شناسی تاریخی» به عنوان دو گرایش مسلط تاریخ و علوم اجتماعی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، نقش بارزی داشتند.^{۱۱} به رغم این وجوده اهمیت مکتب آنال و گستره‌ی چشمگیر تأثیر آن بر

■ انقلاب تاریخ‌نگاری فرانسه، مکتب آنال ۱۹۲۹-۸۹

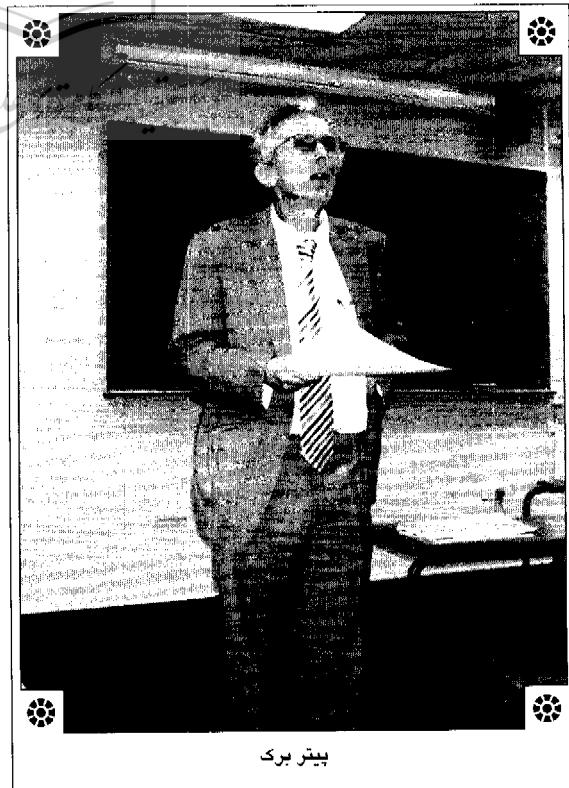
■ پیتر برک

■ ترجمه‌ی کامران عاروان

■ نشر تاریخ ایران، چاپ نخست، تهران: ۱۳۸۹، تعداد صفحات: ۱۷۶

فراتسوی و زیرنظر شال ساماران نوشته شده است. اگرچه این اثر هیچ معرفی مستقیم و مفصلی از مکتب آنال به دست نمی دهد (شاید این محققان نیز از همان گروه‌اند که به قول پیتر برک اساساً به وجود چنین مکتبی باور ندارند*) اما آن را می‌توان بیانی تفصیلی، بالغ و پیشرفته از رهیافت آنال به مطالعه تاریخ ارزیابی کرد. از چاپ دوم ترجمه‌ی این اثر ارزشمند به زبان فارسی نیز نزدیک به پانزده سال می‌گذرد و مدت‌هast است چاپ آن نایاب شده است که خود شاهدی است بر موقعیت روش‌شناسی پژوهش‌های تاریخ در ایران. اثر دیگری که در این زمینه قابل ذکر است بیشتر روش در تاریخ‌نگاری معاصر^۱ نام دارد، مجموعه‌ای از مقالات که در میان آن‌ها مواردی هم به چهره‌های بنیانگذار مکتب آنال پرداخته است. این مجموعه را نیز که زیر نظر منصوره اتحادیه و حامد فولادوند ترجمه و چاپ شد، سال‌ها پیش نشر تاریخ ایران انتشار داد. به جز این‌ها، شماری مقاله و کتاب دیگر هم به قلم محققان ایرانی به معرفی این مکتب اختصاص یافته است که هیچ‌یک تنوانته‌اند تصویری رسماً از موضوع مورد بحث ارائه کنند. از این موارد که بگزیریم، کار پیتر برک که اخیراً به فارسی ترجمه شده، تصویر نسبتاً رسانی از تاریخچه مکتب آنال، زمینه‌های شکل‌گیری و تحولات آن در دوره‌های بعد به دست می‌دهد. پیتر برک عالمی اجتماعی است که اثار نسبتاً زیادی هم از وی چه در قالب کتاب و چه مقاله به فارسی ترجمه شده است. دل مشغولی اصلی برک، آن طور که از نوشه‌ها و تحقیقات وی برمی‌آید، رابطه‌ی تاریخ و علوم اجتماعی و گرایش‌های نوین تاریخی است. اما در این تحقیق وی بر آن بوده است تا به عنوان مورخ انگلیسی که تعلق خاطر خاصی هم به مکتب آنال داشته، دین خویش را به این مکتب ادا کند. چنان که در «سپاس‌گزاری» برک آمده (که البته در ترجمه‌ی فارسی حذف شده)، پیش قابل توجهی از این مطالب کتاب محصول گفت و گوهای مستقیم وی با اعضای گروه آنال، خصوصاً فرنان برودل، امانوئل لاروی لدوری^۲، زاک لوگوف^۳، روژه شارتیه^۴ و غیره در پاریس بوده است. برک آرای شاخص گروه آنال در مقابل «تاریخ نوین» را بین شکل خلاصه می‌کند: جایگزینی تاریخ تحلیلی مسأله‌گرا به جای روایت سنتی از رخدادها. تاریخ فرآگیر کش‌های انسانی به جای تاریخ عمدتاً سیاسی و همکاری تاریخ بادیگر رشته‌های نظریه جغرافیا، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، زبان‌شناسی، انسان‌شناسی اجتماعی و غیره در راستای نیل به دو هدف پیشین (ص ۲) وی هدف تحقیق خود را «توضیف»، تجزیه و تحلیل و سنجش دست‌آوردهای مکتب آنال «معرفی می‌کند و خواننده را به این نکته توجه می‌دهد که قالب دیدن مکتب آنال می‌تواند به غفلت از اختلافات فردی اعضا این گروه و تحولات بعدی آن منجر شود (همانجا) به همین علت، وی پیشنهاد می‌کند که فراتر از یک «مکتب آنال» گام برداریم و از «نهضت آنال» سخن بگوییم. از این منظر، وی تاریخ نهضت آنال را به سه مقطع تقسیم می‌کند و سرشت اصلی هر مقطع را چنین برمی‌شمارد: مرحله‌ی نخست از دهه ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۴۵، کم‌دانمه، تندرو و براندازنده، سنتیزه‌جوي و آشوب‌گر علیه اقتدار تاریخ سنتی، تاریخ سیاسی و تاریخ رویدادنگر؛ مرحله‌ی دوم از فردای جنگ جهانی دوم [تا اواخر دهه] ۱۹۶۰ اکه شورشیان آنالی بینان تاریخی تو را بی‌ربختند. در رأس این مقطع دوم که مکتبی واقعی با مفاهیم خاص و روش‌های ویژه‌ی خود بود، فرنان برودل حضور داشت که بترجم آن را برآفرشت و مرحله‌ی سوم که در حدود سال ۱۹۶۸ آغاز شد و «گستالت و چندبارگی» وجهه‌ی غالب آن بود. «بدین ترتیب تاریخ آنال را می‌توان بر حسب جانشینی سه نسل تفسیر

تاریخ‌نگاری اروپا و آمریکا، این مکتب هنوز به نحو شایسته‌ای در ایران معرفی نشده است. این در حالی است که به اذعان برخی صاحب‌نظران «اشنازی با دیدگاه آنال خاصه برای فارسی‌زبانان اهمیت ویژه داشته است، چرا که قرن‌ها در گیر تاریخ‌نویسی خاصی بوده‌اند که پیدا شده دیدگاه آنال به یک معنا و اکتشاف است، آن هم بسیار شدید، نسبت به آن».^۵ سال‌ها پیش در این راستا تلاش‌هایی صورت پذیرفت که ترجمه‌ی دو مورد از آثار بر جسته این مکتب یکی جامعه‌ی فنودالی از مارک بلوك (بلوخ) و دیگری سرمایه‌داری و حیات ملایی، ۱۸۰۰-۱۸۲۰ اثر فرنان برودل هر دو به همت شادروان بهزاد باشی از آن جمله بود. کتاب نخست در دو جلد و به صورت کامل ترجمه شد اما کتاب دوم صرف‌تر ترجمه همان بخش از متن اصلی به زبان فرانسه را شامل می‌شد که به زبان انگلیسی ترجمه شده بود. با درگذشت ناگوار مرحوم بهزاد باشی، دیگر کسی به ترجمه‌ی آثار دیگر این مکتب به زبان فارسی رغبت نکرد که بحتمل مهم‌ترین علتهای آن، نبود صرفه‌ی اقتصادی، دشواری زبان و حجم بالای متون مزبور بوده است. در همان زمان چاپ ترجمه‌ی فارسی کار برودل، پریز پیران مقدمه‌ی فاضلانه‌ای بر آن نگاشت که یکی از بهترین معرفه‌های این مکتب به فارسی‌زبانان بوده و هست. مقدمه‌ای موجز اما پرماهیه و استادانه که نه تنها بررسی سودمندی از چهره‌های بر جسته مکتب آنال و آثار مطرح ایشان را شامل می‌شود، بلکه توصیف رسا و نسبتادقيقی از بنایه‌های معرفت‌شناختی و مشخصه‌های اصلی مکتب آنال را هم به دست می‌دهد. کتاب دیگری که سال‌ها پیش به زبان فارسی ترجمه شد و حکم دست‌مایمای روش‌شناختی مبتنی بر رویکرد کلان‌نگر و بین‌رشته‌ای مکتب آنال را دارد، اثری در جلدی است موسوم به روش‌های پژوهش در تاریخ^۶ که به همت شماری از مورخان



پیتر برک



روی جلد مجله دیروز و امروز

دبال می‌کند و در نظمی زمانی هم به آثار تاریخی مطرح آن‌ها می‌پردازد و هم از مساعی شان در زمینه‌ی راهاندازی مجله‌ی آنال سخن می‌گوید. اما به خود مجله‌ی عنايت چندانی ندارد. شاید بزرگ‌ترین کاستی کار برک هم همین غفلت نسبی وی از خود مجله‌ی آنال به عنوان بخشی اساسی از آن چه «نهضت آنال» یا «مکتب آنال» نامیده است. حال آن که به اذعان خود برک در همین کتاب عنوان مکتب یا نهضت مذکور برگرفته از عنوان این مجله‌ی پیشرو و تأثیرگذار بود (ص ۱۱) و حتی فراتر از نظر برک هم می‌توان رفت و گفت مقالات آنال دست کم در شماره‌های نخست این مجله در حکم مانیفست این «نهضت» بود و تحولات بعدی آن نیز آینه‌ی فراز و فرود این مکتب در دهه‌های بعد. مجله‌ی آنال سده پس از بنیان گذاری اش، مخاطبانی در گستره‌ی جهانی یافت و از این زمان احتملاً مشهورترین و تأثیرگذارترین مجله‌ای بود که به مطالعات تاریخی اختصاص باافته بود. اگرچه زبان آن (فرانسه) مانع در جهت افزایش گستره‌ی مخاطبانش در جهان انگلیسی زبان بود.^{۲۰} بخش بعدی کتاب با عنوان «عصر برودل» درواقع همان مقطع دوم تاریخ آنال را در نظر دارد. انتخاب برودل به عنوان جاوش و میدان دار این مقطع به هیچ روی بی مناسبت نیست. برودل بیش از هر مرخ آنال دیگری به ارمغان های این نهضت وفادار ماند و در راه به ثمر نشاندن اهداف نسل پیشین محدانه کوشید. آنال وی اقدار حجم و در عین حال دشوار بود که به سختی و در مواردی به صورت ناقص به زبان های دیگر ترجمه شد. اما سه‌همی بزرگ در طرح نگاهی نو، کلان و فراگیر به تاریخ داشت. ضمن این که شمار قابل توجهی از مفاهیم تخصصی و اصطلاحات فنی مکتب آنال نظیر «تاریخ روبدانگار»، «دوران طولانی»، «تاریخ جهانی»، «تاریخ انسانی»، «تاریخ اسلامی» و «تاریخ ایرانی» بود.

کرد» (ص ۱۳). برک همین تقسیم را هم در ساختار اثر خویش اعمال می‌کند. چنان می‌نماید که در پس ذهن وی برداشته از آنال بهمراهی چنینی القابی در تاریخ‌نگاری و بنیان گذار نظامی نوین در این عرصه وجود دارد. نه فقط ساختار گزارش وی که از سه نسل آنالی سخن می‌گوید؛ بلکه برخی مفاهیم و تعبیرهای وی نظیر «نظام قیسم تاریخ‌نگاری»، «شورشیان امروز» و «بنیان گذاران فردا»، «انقلاب تاریخ‌نگاری فرانسه» و «انقلابیون» نیز حاکی از چنین ذهنیتی است که الیه در مورد مکتب آنال برداشت به جایی به نظر می‌رسد. انگیزه‌ی اصلی نویسنده از روی آوردن به نوشن تاریخ مکتب آنال خود شاهدی است بر تعلق خاطر وی به مساله‌ی رابطه‌ی تاریخ و علوم اجتماعی: «درواقع این مجله و افراد دست‌اندرکار آن نماینده‌ی پایدارترین الگوی تعامل پژوهش میان تاریخ و علوم اجتماعی است که در این قرن می‌توان مشاهده کرد.» (P.۲) مراد و مقصود او از این بررسی اجمالی جاهطلبانه و چندبعدی است: بر آن است تا مزه‌های فرهنگی متعددی را در نوردد و از تاریخ‌نگاری افرانسه را برای جهان انگلیسی زبان، [مورخان] دهه‌ی ۱۹۲۰ را برای نسل‌های بعدی و کار مورخان را برای جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، جغرافیدانان و دیگران تبیین کند (Ibid). پس او خود روایت را نیز از تاریخی را برای این موضوعی، با این وجود وی این روایت را نیز از تاریخی آن چه «همزمانی پدیده‌های نامعاصر» می‌خواند و معتقد است دیگر نوشه‌های تاریخی هم از آن مصنوع نیستند، آسیب‌پذیر می‌داند. نظیر اصرار برودل بر همان نگاه‌اش در دهه‌ی ۱۹۳۰ به تاریخ، حتی زمانی که در دهه ۱۹۸۰ کتاب‌اش راجع به فرانسه را می‌نوشت، پس او ناگزیر از آن بوده که در نظم و قایع‌نگارانه‌ی موضوع اش جرج و تعديل‌هایی اعمال کند. با این وجود، او مدعی نیست که گام نهایی را در مطالعه‌ی تاریخ آنال برداشته است. خاشعانه اذعان دارد که اثرش را تا حدودی می‌توان مطالعه‌ای در تاریخ اندیشه دانست و امیدوار است که فرد دیگری گزارشی مفصل تر و جامع‌تر از این موضوع به دست دهد. مطالعه‌ای که انجام آن نیازمند استفاده از منابعی است که او فرست و مجال دیدن آن‌ها را نداشته و دانشی تخصصی نه تنها از تاریخ تاریخ‌نویسی بلکه از تاریخ فرانسه قرن بیستم نیز.

برک بررسی خویش را با گزارشی از «نظام تاریخ‌نگاری قدیم و متنقلان آن»^{۲۱} آغاز می‌کند. درواقع همان نظامی که آنالی های متقدم به شدت به آن حمله کردن و سودای براندازی آن را داشتند. این بخش از بررسی برک بسیار مختصر است و صرفاً گزارشی اجمالی و کلی‌ای از دیدگاه‌های غالب در تاریخ‌نگاری قدیم، پارادایم رانکه‌ای و ناقدان آن، مورخان پیشو و قائل به تاریخ‌غیرسیاسی در فرانسه و نقش آن‌ها در فراهم شدن زمینه‌ی انقلاب آنالی‌ها به دست داده است. اگرچه مطلب این بخش، برعغم اختصار، ارزنده و مفید است؛ اما خیلی گذراست و خواننده‌ی فارسی‌زبان در صورت تمایل به اطلاعات بیشتر در این زمینه، بد نیست در کنار آن بخش «تاریخ‌نگاری فرانسه قبل از ظهور دیدگاه آنال» از مقدمه‌ی پرویز پیران بر سرمهی‌داری و حیات مادی برودل را بخواند. خصوصاً در مورد نقش هانری بر^{۲۲} و مجله‌ی هم‌نهاد تاریخی «او در زمینه‌سازی ظهور آنال. گزارش برک از بنیان گذاران نخستین مکتب آنال و آثار بر جسته‌ی ایشان روان و دلکش است. همراه با فور و بلوک به فضای دانشگاه استراسبورگ می‌رود و خواننده را به سال‌های پراشوب حنگ جهانی می‌برد. این دو را در دوره‌ی پیش از بنیان گذاری مجله‌ی آنال و دوره‌ی پس از آن

تاریخنگاره فرانسه

پیتر برک در نظمی زمانی هم به آثار تاریخی مطرح بنیانگذاران مکتب آنال می‌پردازد و هم از مساعی شان در زمینه راه‌اندازی مجله‌ی آنال سخن می‌گوید. اما به خود مجله عنایت چندانی ندارد. شاید بزرگ‌ترین کاستی کار برک هم همین غفلت وی باشد

سه نسل از مورخان آنالی برمی‌آید و به این پرسش اولیه بارمی‌گردد که «تاریخ نو» آنالی‌ها چه نوآوری داشته و تا چه میزان ارزشمند بوده است؟ او در پاسخ به این پرسش، ضمن یادآوری ناکامی مساعی مورخانی چون کارل لامپرخت در آلمان و جی. اچ. راینسون در ایالات متحده در پی افکنند تاریخی نو، برآن است که «دست‌آوردهای بلوک»، برودل و پیروانشان این بود که نسبت به هر محقق یا گروه محققان دیگری در دستیابی به این اهداف مشترک موفق‌تر بودند، در هدایت تهضیی که در قیاس با رقبایش به مراتب گسترش فراتری یافت و بیشتر پاییده (۱۰۶). در نهایت، برک ضمن برشمردن دست‌آوردهای آنال فراتر از مرزهای فرانسه و تاریخ، نقدی اجمالی از دعاوی و روش‌های آنال به دست می‌دهد و گفتار خویش را این گونه پایان می‌بخشد: «به نظر شخصی من، دست‌آوردهای شاخص گروه قلمرو تاریخ را به بازه‌های نامتفقی از رفتار گسترشده‌ی تاریخ بود. این گروه قلمرو تاریخ نسل، اصلاح عرصه‌های آدمی و گروههای اجتماعی ای که از چشم مورخان سنتی افتاده بودند، گسترشاند. این توسعه‌ی قلمرو تاریخ، ملزم کشف منابع نو و روش‌ها و شکردهای نوی برای بهره‌گیری از آن‌ها بود. آن‌ها در عین حال همکاری با دیگر رشته‌های مطالعات انسانی از جغرافیا گرفته تا زبان‌شناسی و از اقتصاد تا روان‌شناسی را در کنار خود داشتند. این همکاری میان رشته‌های برای بیش از شصت سال پایید که حادثه‌ای بینظیر در تاریخ علوم اجتماعی بود. از این روست که عنوان این کتاب به «انقلاب تاریخنگاری فرانسه» نظر دارد و کلمات آغازین مقدمه‌ی آن این‌هاست: «میزان شیائی از نوگارتن، ماذگارتبن و ارزنده‌ترین آثار مهم تاریخی قرن پیستم در فرانسه نوشته شه» این رشته دیگر هرگز چنین شرایطی را تجربه نخواهد کرد.» (p. ۱۱۱).

بررسی برک فارغ از کاستی‌های آن، دست‌کم در حال حاضر، یکی از بهترین معرفی‌ها از مکتب آنال و دست‌آوردهای آن است که خوشبختانه به زبان فارسی هم ترجمه شد. اما جای طرح این پرسش است که فارغ از آشنایی تاریخپژوهان با مکتب آنال، رویکرد آنال به مطالعه‌ی تاریخ در ایران چقدر عملی است. این همان نکته‌ای است که با مطالعه‌ی اثر برک دشوار می‌توان به آن پاسخ گفت. از سویی همان ضرورتی که زمانی آنال‌های متقدم را به طفیان عليه تاریخنگاری سیاسی و رویدادمحور برانگیخت، در عرصه‌ی تاریخنگاری ایران هم محسوس است و از دیگر سو شاید اعمال قیاسی میان این دو زمینه کار به جایی نباشد. مطلب مهمی که در گزارش برک کمتر به آن اشاره شده، اهمیت آرشیو و اسناد و مدارک آرشیوی در فراهم شدن زمینه خلق آثار سترگ مکتب آنال است. به عبارتی مکتب آنال نباید صرفاً از منظر دست‌آوردها و ابعاد معرفت‌شناختی و روشی آن مورد بررسی قرار بگیرد، بلکه نقش داده‌های

نوین»^{۲۰} و غیره ابداعات او بود. هچین برودل با طرح ساختاری سه لایه برای گزارش تاریخ گامی بزرگ در راستای طرح نگاهی ساختارگرا و در عین حال فراگیر به تحولات تاریخی داشت. ضمن این که تعلق خاطر برودل به جغرافیای جهان مدیترانه‌ای پیوند جغرافیا و تاریخ را به بلوغی بی‌سابقه رساند. برک توصیف منسجم و جالبی از نقش برودل و آثارش در شکوفایی نهضت آنال به دست می‌دهد، اما در اینجا هم باز از نقش او در هدایت مجله‌ی آنال غفلت کرده است. بیشتر حجم این بخش به بررسی و ارزیابی جهان مدیترانه‌ای و سرمایه‌داری و حیات مادی اختصاص یافته است که البته نظر به اهمیت و ابعاد مختلف نوآوری این دو دست‌آوردهای شاخص مکتب آنال قابل درک است. تاریخ کیمی، جمعیت‌شناسی تاریخی و تاریخ منطقه‌ای و زنجیره‌ای، مباحثی است که در ادامه این فصل و در کنار آنال‌های برجسته‌ای چون ریوکرد مارکسیستی و تاریخ و لادوی لدوری به بحث گذاشته شده است. برک جایگاه لابروس در مکتب آنال را خصوصاً از منظر نقش او در گرایش آنال به ریوکرد مارکسیستی و تاریخ کیمیت‌نگر پژوهیت می‌داند. «نسل سوم» آنال عنوان فصل بعدی کتاب است. برک شاخصه‌ی برجسته این مقطع از تاریخ آنال را بی‌انسجامی فکری آن و دشواری ترسیم سیمای فکری این نسل در قیاس با دو نسل پیش‌تر می‌داند. ضمن این که به سختی می‌توان چهره‌ای را به عنوان رهبر و سرآمد این نسل از آنال‌ها معرفی کرد. از جمله دیگر ویژگی‌های این مرحله از تاریخ آنال، حضور فعال مورخان زن در کانون پژوهش‌ها، نگاه بازنگر این نسل به آرا و اندیشه‌های بیرون فرانسه در قیاس با نسل پیشین، تداوم رویکردهای کمی، ذهنیت نگر و انسان‌شناختی به تاریخ در کنار تکابویهای برای بازگشت به تاریخ رویدادهای سیاسی و احیای روایت را یاد می‌کند. این بخش از کار برک خاصه‌ی آن رو که آثار ترجمه شده شناخت کمتری از نسل‌های متأخر آنالی و دست‌آوردهای آنال در قیاس با چهره‌های اصلی و متقدم این مکتب را از این نسل از آنال‌ها معرفی کرد. از جمله دیگر ویژگی‌های این مرحله از تاریخ آنال، حضور زنجیره‌ای، انسان‌شناسی و رابطه‌ی آن با تاریخ و روایت تاریخی همگی مسائلی است که در این بخش به آن‌ها اشاره رفته است. نهایتاً برک نگاهی دارد به موقعیت آنال در آن سوی مرزهای فرانسه و تاریخ؛ «چشم‌انداز جهانی آنال». لهستان، آلمان و بریتانیا سه کشوری است که برک مطالب بیشتری راجع به برخورد آن‌ها با این مکتب و ابتکارات نظری و فنی آن در تاریخ‌نگاری دارد. گویا لهستانی‌ها بیشترین استقبال را از این جریان داشتند و بریتانیایی‌ها، به رغم جایگاه رفیعشان در تاریخ‌نویسی نوین، چندان شوقی برای خواندن آثار رقیابی فرانسوی نداشتند. برک سرانجام پس از برشمردن ابعاد تأثیر و تأثیر مکتب آنال و دیگر رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، در صدد جمع‌بندی دست‌آوردهای

فرانسه یا انگلیسی این عنوان‌ها و اصطلاحات را در باورقی ذکر کند. همین انتقاد در رابطه با اسامی خاص هم وارد است. در جای جای متن انگلیسی برخی عبارات خاص یا نقل قول‌ها به زبان فرانسه ذکر شده که البته در زبان انگلیسی مرسوم است. درست‌تر این بود که در متن فارسی این عبارت‌ها مشخص شده و عین آن‌ها در پاپوشت آورده شود، این کار در مواردی انجام شده، اما بسیار سست و مغلوط. در «واژه‌نامه» کتاب نیز که معادل فرانسه‌ی اصطلاحات آمده، این کار خیلی سهل‌انگارانه و نادقيق انجام شده است. اگر این سبک ترجمه از برخی ناشران جدید که اعتمتی زیادی به امانت در ترجمه و ویرایش کتاب ندارند توقع روید، از ناشری که خود را وقف تاریخ کرده و در رأس آن فرهنگتای عالم به تاریخ و زبان انگلیسی حضور دارد، بسی مایه‌ی شگفتی است اید است در چاپ‌های بعدی این کتاب ارزشمند این نوافع به طور جدی برطرف شود.

پی‌نوشت

۱. در این برسی هم متن اصلی به زبان انگلیسی و هم ترجمه‌ی فارسی متنا قرار گرفته است.
2. Annales School
3. Annales d'histoire économique et sociale
4. Histoire événementielle
5. Clio, الهی تاریخ در افسانه‌ها و اساطیر یونانی
کلارک بلوخ، جامعه فنودالی، ترجمه بهزاد پاشی (دو جلد، تهران: آنده، ۱۳۶۳)
7. Fernand Braudel, La Méditerranée et le monde méditerranéen à l'époque de Philippe II
8. Emile Durkheim
9. Videl de la blache
10. See: David E. Bell, "Total History and Microhistory: The French and Italian Paradigms" in L. Kramer and S. Maza, (eds.), A Companion to Western Historical Thought, (Blackwell Publishers, 2002), pp.262-266
11. شنگردید: دوسن اسمیت، برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه هاشم آفاجری، (تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۴)، پژوهه صص ۷۷-۱۵۹ و نیز:
- Encyclopedia of Social History, ed. by Peter N. Stearns, (Garland Publishers, New York 1994), s.v. "Annales School"
۱۲. برویز پیران د. فرانان برودل، سرمایه‌داری و حیات مادی، ۱۸۰۰-۱۷۰۰، ترجمه بهزاد پاشی، (تهران: نشرنی، ۱۳۷۲) منحصراً، ص. یازده
۱۳. شارل ساماران (سرور استارا)، روش‌های پژوهش در تاریخ، ترجمه ابوالقاسم بیگانه و دیگران، (جهار جلد، مشهد: انتشارات انسان قدر، رضوی، ۱۳۷۵)
14. Peter Burke, The French Historical Revolution, The Annales School, 1929-1989, (Polity Press, 1990), p. 1
15. بیش و روش در تاریخ‌نگاری معاصر، ریر نظر منصوره اتحادیه و حامد فولادوند، (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۵)
16. Emmanuel La Roy Ladurie
17. Jacques Le Goff
18. Roger Chartier
19. Henri Berr
20. Revue de synthèse historique
21. see: George Huppert, "The Annales Experiment", in M. Bentley (ed.) A Companion to Historiography, (London & New York, Routledge, 2006), pp. 853-867
22. Longue durée
23. Histoire Globale
24. La nouvelle histoire

ارشیوی و تنوع و وسعت دامنه‌ی مواد تحقیقی مورخان آنالی در شکل گیری آثار آنان هم بایستی به بحث گذاشته شود. نکته‌ی پراهمیت دیگری که در معرفی این مکتب یا نهضت خصوصاً در ایران ضروری است، سرشت کار گروهی و جمعی مکتب آنال است و نگاه باز آن به همکاری‌های بین‌رشته‌ای. سنتی که در عرصه‌ی علوم انسانی و اجتماعی، چه‌بسا در دیگر کشورهای اروپایی هم به این شکل سبقه‌ای و بدیلی نیافت. با این حال معرفی این مکتب به نوبه‌ی خود گام بزرگی است در تشویق مورخان به اتخاذ رویکردها و روش‌های متفاوت به تاریخ‌نگاری.

ملاحظاتی انتقادی درباره ترجمه‌ی فارسی کتاب

ترجمه‌ی هر کتاب در بهترین حالت هم می‌تواند درجاتی از تحریف متن یا استحاله‌ی آن را به دنبال داشته باشد. اما فارغ از این حد ناگزیر، متوجه در مقام امانت‌داری است که باید نهایت سعی خود را برای انتقال درست و رسای متن به زبان مقصد انجام دهد. متن انگلیسی کتاب انقلاب تاریخ‌نگاری فرانسه روان و گیراست. نویسنده خود در این زمینه صاحب‌نظر بوده و به اذعان خود سال‌ها با آن الفت داشته است. کتاب او نیز برسی ارزشمند و در عین حال مختصری است از تاریخ مکتب آنال در خلال یک دوره‌ی شصت ساله که انتخاب آن برای ترجمه از حسن سلیقه‌ی مترجم و شناخت درست وی از متون مفید در این زمینه حکایت دارد. اما متن فارسی به شکل دور از انتظاری ناهموار و در موارد متعددی نافهم است. در جای جای متن انگلیسی اصطلاحات فنی آنال به همان زبان اصلی فرانسه و به شکل اینالیک آمده که بخشی از تأکیدات نویسنده بوده است، اما در ترجمه‌ی فارسی این اصطلاحات به شکل ناشیانه‌ای برگردانده شده و تمایزی میان آن‌ها و دیگر کلمات اعمال نشده است. در بعضی موارد هم اصطلاح به صورت نادرست ترجمه شده است، برای مثال اصطلاح *la nouvelle histoire* آادر واژه‌نامه‌ی کتاب که به توضیح اصطلاحات فنی «*ربان آنال*» اختصاص یافته به «تاریخ داستان» برگردانده شده حال آن که خود متوجه آن را در مقدمه به «تاریخ نوین» برگردانده است. در همان بند اول مقدمه اصطلاح به *la nouvelle cuisine* که به سبکی خاص از آشپزی فرانسوی نظر دارد، به صورت «آشپزی نوین» ترجمه شده که نارساست. جمله‌ی دوم مقدمه از اساس غلط ترجمه شده و عبارت «دست کم به همان اندازه‌ی زبان فرانسه مشهور است» به این صورت ترجمه شده است: «*دست کم در فرانسه مشهورتر است*. اصطلاح «intellectual» («فکری»، «عقلی» و در مواردی هم «روشنفکری» اما نه در این متن) در همه جای کتاب به صورت «روشنفکری» ترجمه شده و مضمون جمله‌ها را اساساً تغییر داده است. بدتر این که در مواردی چنین می‌نماید که مترجم به زبان فارسی و ساختار دستوری آن هم تسلط نداشته است. برای نمونه جمله‌ای چون «فور علاقه‌مندی شایسته‌ای با چاپ (با ترغیب هائزی بر ناشر مجله هم‌نهاد تاریخی) مطالعه‌ای عمومی با پژوهش مایه‌ای با عنوان «زمین و نکامل بشری» نشان داد.» (ص ۲۵) برای خواننده فارسی به سختی مفهوم است. ترجمه‌ی عنوان اصلی کتاب به فارسی باید انقلاب تاریخی فرانسه باشد، ترجمه‌ی Historical به «تاریخ‌نگاری» نیازمند توضیحی در مقدمه مترجم است. دیگر اشکال جدی متن فارسی بی‌اعتنایی به تمایز عنوان کتب و مجلات و یا اصطلاحات فنی است که در متن اصلی عموماً به همان شکل اصلی و اینالیک آمده است. حق این بود که مترجم محترم دست کم معادل